

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نور الله وثوق

۱۶ ثور ۱۳۸۸

۶ می ۲۰۰۹

دینا سورها

رمز و راز

ره پنهان نازی را گرفتیم
سراغ رمز و رازی را گرفتیم
به خون سرزمینی تشنه گشتیم
ز هر سو امتیازی را گرفتیم

بازار آزاد

حساب هر کم و تم را گرفتیم
ز مردم نان گندم را گرفتیم
ز دود آتش بازار آزاد
حسابی حال مردم را گرفتیم

فکر ویزا

دل خود را تماشائی نکردیم
گذر در مرز رؤیایی نکردیم
هوای دیدن آئینه داریم
ولیکن فکر ویزایی نکردیم

روان میهن

من و تو بس که اهل خورد و بردیم
سر خود را به میل خویش خوردیم
روان میهن آزاد را
به دست آهن و آتش سپردیم

دیناسورها

درین میدان یکی باتور ندیدم
بکار تک تک شان سر ندیدم
به فکر انقراض نسل خویشند
که می گوید که دیناسور ندیدم

گروه مافیایی

ز همسویی جدائی را تماشا
کمال ناروایی را تماشا
بگردد حلقه بازار آزاد
گروه مافیایی را تماشا

دل فردا

به پیش چشم خود آور خدا را
تماشا کن محبت را صفرا
چلیپایی بکش بر دور ظلمت
به دست آور دل فردای مارا

فرهنگ بومی

به دردی آشنائی را نبینم
یکی مرد خدائی را نبینم
ایا فرهنگ بومی محبت
برایت جای پائی را نبینم

دستان شب آلود

دو دست باز ما را بسته کردند
در آواز ماز ما را بسته کردند
به دستان شب آلود سیاست
پر برواز ما را بسته کردند

قرنطین

چه گویم همرهان غافلم را
چه سان گیرم سراغ منزل را
ز دست پورش وپروس نفرت
قرنطین کرده ام مرز دلم را

طلب تنخواه

گرفتم پشت سودای شما را
زدم دوری هوس های شما را
زخون لاله ها باید که پرداخت
طلب تنخواه بابای شما را

مرده های زنده

برای گریه ها مان خنده کردند
دل ما را به خون آگنده کردند
نژاد و قوم دوری مرده بودند
رفیقان مرده ها را زنده کردند